

غزل شماره ۱۳۷

دل از من برد و روی از من نمان کرد
خدا را با که این بازی توان کرد

شب تنهائیم در قصد جان بود
خیالش لطف های بی کران کرد

چرا چون لاله خونین دل نباشم؟
که با ما نرکس او سرگران کرد

که را کویم که با این دردِ جان سوز؟

طسیم همدِ جانِ ناتوان کرد

بدان سان سوخت چون شمعم که بر من

صراحی گریه و بر بَطِ فغان کرد

صباگر چاره داری وقت، وقت است

که دردِ اشتیاقم همدِ جان کرد

میان مهربانان کی توان گفت؟

که یارِ ما پُخِن گفت و چنان کرد

عدو با جانِ حافظ آن نکردی

که تیرِ چشم آن ابرو کمان کرد

تفسیر فال

بسیار ناراحت هستی و همچنان به عنوان پلی برای موفقیت دیگران عمل کرده‌ای. در حقیقت، باید این نکته را در نظر داشته باشی که هر جا جلوی ضرر را بگیری، به نوعی این کار به نفع تو تمام خواهد شد. این مسئله نشان‌دهنده‌ی قدرت و اراده تو در مواجهه با چالش‌هاست. اگر حاجتی داری که برای رسیدن به آن واقعاً طاقت خود را از کف داده‌ای، باید بدانی که با تلاش مستمر و درست، به زودی و تنها به اندازه‌ی یک چشم بر هم زدن می‌توانی به نیت خود دست یابی. زندگی گاهی اوقات مانند جریانی است که ممکن است موانع زیادی را پیش روی ما قرار دهد، اما با تمرکز و پشتکار می‌توانیم بر آن‌ها غلبه کنیم و سرانجام موفقیت‌های بزرگ‌تری را تجربه کنیم.

به کوشش : [پارسی‌دی](#)

منبع تفسیرها: [آلاتو](#) و [سلام دنیا](#)